

O دکتر محمد خزایی  
عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس



شکل (۱)

## نقش شیر نمود امام علی (ع) در هنر اسلامی

نقش شیر به عنوان یک نماد جایگاه مهمی در تزیینات هنر ایران قبل از اسلام به ویژه در دوره‌ی اسلامی را به خود اختصاص داده است. این نقش در طول دوره‌های مختلف فرهنگ ایران مفاهیم خاصی را در بر داشته و شاید قدیمی‌ترین مفهوم نمادین نقش شیر در علم نجوم مورداستفاده قرار گرفته است، برج پنجم در «منطقة البروج» به نام برج اسد است که با نقش شیرنمایش داده می‌شود. در آثار هنری برجای مانده از دوره‌ی اسلامی نقش شیر به تنهایی و یا به صورت ترکیبی با دیگر نقوش مثل خورشید و یا گاو خصوصاً در دوره‌ی سلجوقیان (۵۹۰-۴۳۱ هجری) و بعد از آن به وفور دیده می‌شود. این نقوش بیشتر به دلیل مفاهیم نجومی آنها بر روی ظروف، سر در دروازه‌های شهرها نقش گردیده است.

نقش شیر به تنهایی و یا به همراه خورشید با مفهوم مذهبی بیشتر در آثار هنری اواخر دوره‌ی سلجوقیان، قرن پنجم و ششم هجری به بعد دیده می‌شود. هرچند مفهوم نجومی آن هم همچنان موردتوجه هنرمندان می‌باشد. در این مقاله سعی خواهد شد با ذکر مثال‌هایی به جنبه‌ی مذهبی این نقش پرداخته شود.

نام امام علی (ع) در میان مسلمانان خصوصاً شیعیان همیشه با عظمت و توجه خاصی همراه بوده است. اشعار بسیاری از شاعران و آثار هنرمندان خود گواه این مدعا می‌باشد. این اشارات گاه به صورت اسم علی (ع) و گاهی در قالب نمادین «شیر» یاد شده است. به طور مثال ناصر خسرو در دیوانش چنین می‌سراید:

بهار دل دوستار علی

همیشه پر است از نگارِ علی  
و یا: شیر مبارزی که سرشته ست کردگار  
اندر دل مبارز مردان محبتش  
در بود مر مدینه‌ی علم رسول را  
زیرا جز او نبود سزای امانتش  
حکیم سنایی غزنوی در این مورد چنین می‌سراید:

سراسر جمله عالم پر ز شیر است  
ولی شیری چو حیدر با سخاکو

مولوی چه در دیوان شمس و چه در مثنوی معنوی از امام علی (ع) به عنوان «شیرحق» یاد می‌کند. در «زیارت مطلقه امام علی (ع)» در مفاتیح الجنان امام علی (ع) را به عنوان شیر صحنه‌های کارزار یاد می‌کند.<sup>۱</sup>

### نقش شیر

از مهم‌ترین آثاری که حضرت علی (ع) را در هیبت شیر نقاشی کرده است تصویرگری صحنه‌هایی از معراج پیامبر اسلام می‌باشد. این نقاشی‌ها پیامبر را سوار بر براق در شب معراج نشان می‌دهد که در حال دادن «خاتم» خویش به امام علی (ع) می‌باشد. در این تصاویر امام علی (ع) به

منأسفانه جنبه‌های مذهبی نقش شیر و خورشید همراه با شمشیر ذوالفقار در دوران حکومت پهلوی روز به روز کم رنگ تر گردید به گونه‌ای که این نقش شیعی که بیش از هفتصد سال قدمت داشت با قرار دادن تاج پادشاهی بر فراز خورشید نبوت، آن را به یک نشان کاملاً سلطنتی و درباری تبدیل نمودند



شکل (۳)

شکل شیر نقاشی شده است. این صحنه در بسیاری از معراجنامه‌ها و دیگر کتاب‌ها در دوره صفویه و حتی قاجار دیده می‌شود. یکی از زیباترین آنها مربوط به یک نسخه خطی به نام «فالنامه» منصوب به امام جعفر صادق می‌باشد که در اوایل حکومت صفویان در تبریز و یا قزوین نقاشی شده است. در این مجلس پیامبر اسلام سوار بر براق در وسط نگاره همراه با فرشته‌ها، در حال دادن خاتم نبوت به شیروی است که در سمت چپ قسمت بالا قرار گرفته، نقاشی شده است (شکل ۱). این نسخه خطی متعلق به مجموعه وور می‌باشد.

### نقش شیر همراه با خورشید

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد نقش شیر همراه با دیگر نقوش مثل خورشید، گاو و... آمده است. نقش شیر و گاو که به کرات در آثار هنری ایران خصوصاً قبل از اسلام دیده می‌شود بیشتر دارای مفاهیم نجومی می‌باشد. این نقش به صورت نبرد شیر بر گاو (گرفت‌وگیر) اگرچه دارای مفاهیم دیگری هم می‌باشد ولی اکثراً بیان‌کننده یک جدل کیهانی است. این نیرو در واقع نمادی از غلبه‌ی فصول بر یکدیگر است. گاو نماد زمستان و شب‌های طولانی و شیر معرف تابستان و روزهای گرم و همچنین نماد آغاز سال جدید و عید نوروزی می‌باشد. یکی از صحنه‌های نبرد شیر و گاو را می‌توان در سنگ برجسته‌های تخت جمشید مشاهده نمود که در دوره اسلامی نیز این نقش در آثار هنری دیده می‌شود.

نقش شیر و خورشید هم دارای مفاهیم نجومی و هم یک نماد مذهبی می‌باشد.

در ابتدا به طور خلاصه به مفهوم نجومی آن و سپس به مفهوم نمادین مذهبی آن اشاره می‌شود. در علم نجوم

«منطقه البروج» دایره‌ای است که زمین حرکت انتقالی خود را در آن انجام می‌دهد. این دایره را به دوازده بخش برابر کرده‌اند. هر بخش را برج می‌گویند و هر برجی نامی دارد.

مدت زمانی که زمین یکی از دوازده بخش را می‌پیماید یک ماه شمسی است. این دوازده برج میان هفت اختر که یکی از آنها خورشید است تقسیم شده است. و یک یا دو برج دایره‌ی فرضی آسمانی ویژه‌ی یکی از اختران هفت گانه بوده و خانه آن اختر به شمار می‌رود. به طور مثال برج شیر (اسد) خانه‌ی خورشید می‌باشد<sup>۲</sup>. از نظر منجمین هرگاه کوکب خورشید در برج اسد (شیر) جای گیرد، زمان آسایش و آرامش است.

حمل با عقرب آمد جای بهرام

اسد خورشید را شد جای آرام

(گلشن راز شبستری)

به همین دلیل در علم نجوم نقش شیر و خورشید به عنوان نمادی خوش یمن مورد توجه منجمین، هنرمندان و مردم بوده است. سابقه‌ی این نقش به هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد برمی‌گردد<sup>۳</sup>.

مفهوم مذهبی نقش شیر و خورشید در

نبی آفتاب صحابان چو ماه  
بهم پستی یکدگر راست راه  
منم بنده اهل بیت نبی  
ستائیده خاک پای وصی  
قابل ذکر است نقش خورشید به عنوان یک نماد در هنرهای تزئینی ایران نقش مهمی را ایفا کرده و در طول تاریخ مفاهیم زیادی را در برداشته است. قرص خورشید در نقش نمادین فروهر در آیین زرتشت بیانگر روزنه‌ای است که نور مینوی از آن به طرف زمین جریان پیدا می‌کند. در هنر دوره‌ی اسلامی شمشه، (کلمه عربی خورشید) به عنوان یک نقش در اکثر آثار هنری خصوصاً در تذهیب قرآن کریم مورد استفاده قرار گرفته است. در بعضی از آثار هنر اسلامی از نقش خورشید

یا شمشه به عنوان نماد پیامبر استفاده کرده‌اند. این مفهوم نمادین در ادبیات هم آمده است. و به احتمال از آیه‌ی ۱۷۴ سوره نساء قرآن کریم برگرفته شده، خداوند کریم در این آیه می‌فرماید: «ای مردم برای «هدایت» شما از جانب خدا برهانی محکم آمد «سولی با آیات و معجزات فرستاده شد» و نوری تابان به شما فرستادیم<sup>۴</sup>. مولوی هم در این رابطه چنین سروده است:

آفتاب آمد دلیل آفتاب

گر دلالت باید از وی رخ متاب

نمونه‌ی تجسمی این مفهوم را می‌توان در نقاشی‌های معراج پیامبر شاهد بود که هنرمند در تصویر صحنه معراج به جای تصویر پیامبر اسلام نقش خورشید و یا شمشه قرار داده است، به طور مثال در خمسه‌ی نظامی که در قرن نهم هجری مصور شده است به جای تصویر پیامبر اسلام یک شمشه‌ی طلایی طرح شده و در داخل شمشه نام مبارک «محمد (ص)» نوشته شده و اطراف آن هم با دوازده برگ پیچشی تزئین شده است (شکل ۲). از طرفی دیگر استاد مهدی الهی قمشه‌ای در ترجمه و تفسیر دو آیه اول سوره نود و یکمین (الشمس): «قسم به آفتاب و تابش آن هنگام رفعتش - قسم به ماه که پیرو آفتاب تابان است» می‌نویسد: شاید یک معنی آفتاب و ماه نبی و ولی منظور است، که چون خورشید و ماه عالم را روشن ساختند و خلق را از شب تار چهل و ظلال نجات دادند. احتمالاً هنرمندان شیعی هم به این دلیل نقش خورشید





شکل (۴)



شکل (۵)

فردوسی هم چنین حالتی داشت. از طرفی دیگر نقش شیر و خورشید سرخ همراه با نقش هلال احمر و صلیب سرخ تنها سه نشانی هستند که در بخش پزشکی سازمان ملل به ثبت رسیده و امروزه شنیده می‌شود سازمان ملل در نظر دارد که نقش شیر خورشید سرخ ایران را حذف و ستاره سرخ اسرائیل را جایگزین آن نماید.

نتیجه: یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های هنر در فرهنگ اسلامی ایران ارتباط تنگاتنگ هنر با مذهب است. محصول این ارتباط اندیشه و تفکری است که در آثار هنر اسلامی به وجود آمده که خود بیانگر هویت یک ملت است، هنر اسلامی مجموعه‌ای از آثاری است که هنرمندان مسلمان از منابع گوناگون آنچه را که مناسب با اندیشه، تفکر و جهان‌بینی اسلامی و خلق و خوی ایرانی بوده برگزیده و با نیروی خلاق خود آن را به صورت‌های گوناگون به وجود آورده و برای بقای هویت ملی و مذهبی برای نسل‌ها به یادگار گذاشته است. نقوش نمادین همچون نقش شیر - نقش خورشید و... هرکدام گنجینه‌هایی از هنر این مرز و بوم می‌باشند که شناخت آنها ضامن بقا و تلاوم فرهنگ و هنر اسلامی کشور ماست. بر همه‌ی اندیشمندان و هنرمندان است که با کوشش و جد و جهد در بالندگی و گسترش هنر ایران معمول داشته و نسل جوان را با آن آشنا سازند و بستر، احیا و بسیاری از مفاهیم نمادین هنر اسلامی را فراهم سازند.

#### پانویست‌ها:

۱. عباس قمی، مفاتیح الجنان، تهران، انتشارات علمی اسلامی ۱۳۴۹، ص ۶۱۴.
۲. ن. بختور تاش، نشان رازآمیز، تهران، انتشارات مؤلف، ۱۳۷۱، ص ۳۴۲.

3. R. Ettin ghausen, "The wade cup", in Arts Orientalis, Vol.2, University of Michigan, 1954,

۴. قرآن کریم، ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای، تهران، نشر سبحان، صص ۴۰-۱۳۹.
۵. محمد لاهیجی، شرح گلشن راز، تصحیح محمدرضا برزگر، تهران، انتشارات زاوهر، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۲۷۲.
- \* نمود: نشان، علامت (فرهنگ معین، ج ۴، تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۴۸۲۱.

اصفهان دید. این شیرها از آنجایی که بیشتر در امام‌زاده‌ها قرار دارند و خورشید به صورت شمسه تزیینی روی شانه‌ی راست آنها و در سمت چپ آنها شمشیر (گاهی اوقات ذوالفقار) قرار دارد، دارای مفاهیم نمادین مذهبی هستند. (شکل ۶).

باتوجه به این موضوع که شیرهای سنگی در یک طرف شمسه و در طرف دیگر شمشیر حک شده است قابل مقایسه با گفته لویی دوپو در کتاب «تاریخ ایران» است. او می‌نویسد یکی از امتیازات پادشاه ایران حق برافراشتن بیرق‌هایی است که روی یکی از آنها شمشیر ذوالفقار علی (ع) نقش شده و روی عکس دیگر خورشید در حال ورود به برج اسد دیده می‌شود، از طرفی دیگر روایت است تا عهد فتحعلی شاه قاجار ایران دو بیرق داشته که یکی از آنها شمشیر ذوالفقار علی (ع) و دیگری شیر و خورشید بوده است. در دوره‌ی محمد شاه قاجار برای این که بیرق رسمی ایران دارای یک علامت واحد گردد شمشیر ذوالفقار را به دست شیر که بر بالای آن خورشید قرار گرفته داده می‌شود تا حامی و حافظ استقلال ایران باشد.

متأسفانه جنبه‌های مذهبی نقش شیر و خورشید همراه با شمشیر ذوالفقار در دوران حکومت پهلوی روز به روز کم رنگ‌تر گردید به گونه‌ای که این نقش شیعی که بیش از هفتصد سال قدمت داشت با قرار دادن تاج پادشاهی بر فراز خورشید نبوت، آن را به یک نشان کاملاً سلطنتی و درباری تبدیل نمودند.

نقش شیر و خورشید شاید یکی از مظلوم‌ترین نشان‌هایی است که در طول انقلاب اسلامی همچنان ناشناخته باقی مانده است. در اوایل انقلاب، شاهنامه‌ی

(نماد پیامبر) و شیر (نماد علی(ع)) را نماد شیعه قرار داده و از طرفی دیگر از نظر نجومی هم هرگاه خورشید در برج اسد قرار بگیرد، منبع آسایش و آرامش است و خورشید در نیرومندترین وضع خود قرار می‌گیرد.

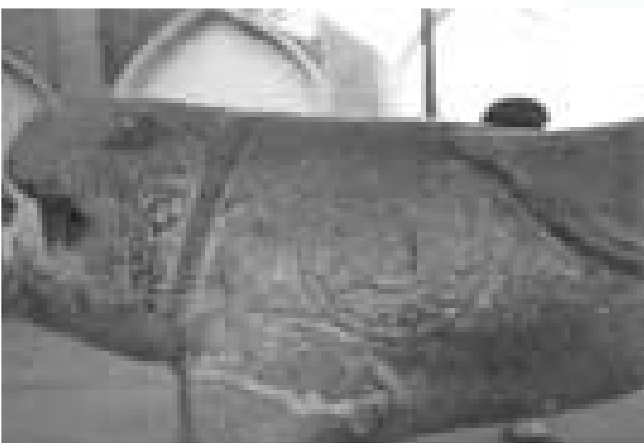
همان طوری که اشاره شد نقش شیر و خورشید از اواخر دوره‌ی سلجوقی به بعد در تزیینات بسیاری امام‌زاده‌ها و دیگر ابنیه به کار گرفته شد. یکی از زیباترین آنها نقش روی یک کاشی به شکل ستاره‌ی هشت پر زین فام است که در شوال سال ۶۶۵ هجری در کاشان برای تزیینات امام‌زاده یحیی ورامین ساخته شده است. این کاشی هشت‌پر دارای زمینه‌ای کرم روشن و نقش شیر خورشید با رنگ قهوه‌ای زین فام همراه با یک مجموعه دیگر از کاشی‌های ستاره‌ای هشت پر و چلیپا در موزه‌ی لوور پاریس نگهداری می‌شود (شکل ۳). در این کاشی نقش شیر در جلو و خورشید که نیمی از صورتش در پشت شیر پنهان شده نمایان است. فضا زمینه‌ی نقش علاوه بر اشعه‌های خورشید با نقش‌های تزیینی گل و برگ‌های اسلیمی پر شده است. در قسمت پایین هم طراح با طرح قسمتی از یک ماهی نقشی نمادین از آب و چشمه را احتمالاً بیان داشته است. زیرا براساس ادبیات آن دوره «چشمه‌ی خورشید» هم نماد پیامبر بوده است. در اطراف ستاره‌ی هشت پر هنرمند با خط تعلیق به نوشتن اشعار فارسی و تاریخ ساخت آن پرداخته است.

نقش شیر و خورشید در دوران مغول برای تزیینات ابنیه و سکه‌ها نیز مورداستفاده قرار گرفته است، به طور مثال یکی از سکه‌های دوره‌ی سلطان محمد الجایتو که از حاکمان شیعی ایلخانان می‌باشد و هم اکنون در موزه ملک تهران نگهداری می‌شود دارای نقش شیر و خورشید می‌باشد. نقش یکی از ایوان‌های مدرسه‌ی الغ بیک تیموری در سمرقند هم با نقش شیر و خورشید تزیین شده است. نقش شیر همراه با خورشید زینت بخش سکه‌های دوران صفوی خصوصاً در دوره‌ی شاه عباس بوده است (شکل ۴).

نقش شیر همراه با خورشید، نقش روی یک سکه‌ی طلا بیست تومانی مربوط به دوره‌ی قاجار می‌باشد که در سال ۱۲۱۱ هجری در تهران ضرب شده است. در این سکه به روی خورشید که بر پشت شیر قرار دارد. «یامحمد» و در قسمت پایین شیر «یا علی» نوشته شده است. (شکل ۵)

شیرهای سنگی از دیگر آثاری هستند که در امام‌زاده‌ها و گاهی هم به عنوان سنگ قبر احتمالاً از دوران قاجار برجای مانده‌اند. نمونه‌های این شیرهای سنگی را می‌توان در امام‌زاده دب امام و امام‌زاده هارون و لابه‌ی

**نقش شیر و خورشید سرخ همراه با نقش هلال احمر و صلیب سرخ تنها سه نشانی هستند که در بخش پزشکی سازمان ملل به ثبت رسیده و امروزه شنیده می‌شود سازمان ملل در نظر دارد که نقش شیر خورشید سرخ ایران را حذف و ستاره سرخ اسرائیل را جایگزین آن نماید**



شکل (۶)